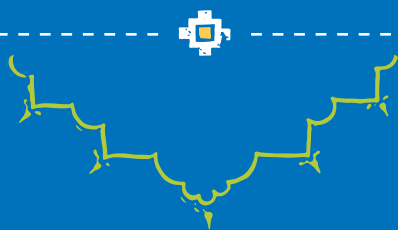


پرونده کتاب‌های کودک و نوجوان



- نگاهی به دو مجموعه شعر نوجوان با موضوع انتظار
- باران صبح روشن
- صبح حرم



نگاهی به دو مجموعه شعر نوجوان با موضوع انتظار

یحیی علوی فرد

اشعار مربوط به آن موضوع را گردآوری کنیم. آن وقت با تکرارها، نوآوری‌ها و کلیشه‌های موجود در آن شعرها آشنا می‌شویم.

وقتی شعرهای گوناگون با یک موضوع را در یک مجموعه می‌بینیم و می‌خوانیم، ناخودآگاه دست به مقایسه می‌زنیم؛ چون همه شعرهای یک کتاب را اجزای آن کتاب می‌بینیم. همان طور که از خواندن یک شعر، احساسی خاص به انسان دست می‌دهد، خواندن یک مجموعه شعر هم، یک احساس کلی به انسان می‌دهد. تصاویر خوب شعری در یاد می‌مانند و تصاویر معمولی که در حد کلیشه هستند، باعث خستگی ذهن می‌شوند.

شاید بتوان گفت گردآوری شعرهای موضوعی، شبیه به برگزاری یک نمایشگاه هنری است که در آن، ضعف و قوت شعرها (و نه شاعرها) مشخص می‌شود. از این رو زمانی

انتظار منجی عالم بشریت، در وجدان هر بیداردلی وجود دارد.

هر کسی به زبان خودش و از نگاه خودش، امید جهان را می‌خواند؛ عده‌ای با زبان دعا، و عده‌ای با زبان هنر، مخصوصاً شعر.

انتظار از دیرباز در شعر شاعران شیعی ایران موج می‌زده است.

این موضوع در شعر شاعران کودک و نوجوان نیز فراوان به چشم می‌خورد و بیشترین شعرهای آیینی شاعران کودک، شعرهایی است که در باره انتظار و حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى تَرْجَمَةَ الشَّرِيفِ سروده شده است.

هر شاعری در کارهای ادبی خود، فراز و فرود فراوانی دارد. خود شعر هم در زمان‌ها و موضوعات مختلف، دارای فراز و فرود فراوان است. کافی است برای تشخیص و سنجش شعر در یک برهه زمانی با یک موضوع خاص،

می‌توانیم در باره شعر مهدوی در حیطه کودک و نوجوان اظهار نظر کنیم که همه آن شعرها را یک جا و در کنار هم داشته باشیم.

با این توضیح، به معرفی اجمالی دو مجموعه گردآوری شده می‌پردازیم که بعضی از شعرهای کودک و نوجوان با موضوع منجی عالم بشریت در آن به چاپ رسیده است.



کجاست رد پای تو؟

این مجموعه، شامل ۲۳ شعر از هجده شاعر کودک و نوجوان به همراه معرفی اجمالی شاعران آن است. این شعرها را آقای محمود پوروهاب گردآوری کرده و موسسه بوستان کتاب قم به چاپ رسانده است. سه شعر از این مجموعه در قالب نیمایی و باقی شعرها در قالب چهارپاره هستند.

موضوع شعرها، انتظار است و تمام شاعران،

منجی موعود را فرامی‌خوانند. هرکسی دل تنگی و تنهایی خود را با زبانی خاص با مولایش در میان می‌گذارد و از رنج و درد خود می‌گوید.

- در شعر «جمعه‌های غریب»، شاعر دنیای دور از منجی را به شب و تاریکی تشبیه می‌کند و ظهور او را جاده‌ای به سمت روشنایی می‌بیند.

- شاعر «بوی سیب»، عطر سیب و کر بلا و سیدالشهدا را از مقدم منجی خود استشمام می‌کند.

- در شعر «پیغام او را خوانده‌ایم»، شاعر، پیام آمدن آن بهار نجات بخش را برای عاشقانش می‌گوید.

- شعر «وقتی بیایی»، خورشید جمال مولا را روشنی بخش دل‌ها معرفی می‌کند که زندگانی با آن زیباست.

- حال و هوای جمکران در شعر «گنجشک‌های جمکران»، نه تنها شنیدنی، بلکه دیدنی است.

- شعر «من به یاد تو...»، آمدن منجی را عامل نجات مردم از قفس ظلم و بدی می‌داند و دوران ظهور را هوای تازه‌ای می‌بیند.

- در شعر «ای کاش...» دل شاعر، پرنده‌ای است که دل تنگ و بی‌سرپناه مانده است و در جستجوی آشیانه‌ای در سایه موعود

دارد. این شعر، حال و هوای تولد حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رَجْعَةَ الْكَرِيمِ را توصیف می‌کند و تولد آقا را نقطه شروع بهار و عطرافشانی گل می‌داند.

• «کجاست رد پای تو؟» که نام کتاب هم از آن گرفته شده است، جهان دور از مولا را، جهانی اسیر رنگ‌ها، صداها و مملو از کوره‌راه‌های داند.

• «آینه چشم او»، زیبایی خنده، آواز و صورت مولا را نشان می‌دهد؛ چیزی که جهانی تشنه دیدن آن است.

• در شعر «چشم انتظار باغ» می‌بینیم که انتظار فقط متعلق به یک زمان نیست؛ همیشه و در طول تاریخ، پدران و فرزندان در انتظار باغ بارآور بوده و هستند.

• دیشب در «باغی از مهربانی»، باران دل‌پذیری آمده، شاعر دلش هوای مولا کرده است.

• در «کوچه باغ انتظار» می‌توان در پای بهار، نسیم و شکوفه را در قدم‌های منجی عالم جستجو کرد.

• «هر کجای جهان» که باشیم در روزگار آمدن مولا، جمکران آن جاست. در فضای جمکرانی دل‌ها چه قدر مهربانند.

• و آخرین شعر این مجموعه یعنی شعر «رنگین کمان»، جشن تولد مولا را با

نجات بخش است.

• در شعر «انتظار» می‌بینیم که جنس غصه‌های دل مولا، از جنس غصه‌های دل ماست.

• شب‌های جمکران با «هاله ماه آسمانی» زیباست و از نگاه دل‌های کبوتری زیباتر است؛ زیرا دیگر جایی برای غصه و غم نمی‌ماند.

• در شعر «نگاه مهربان»، باز هم حرف از آمدن بهار است و نوید آن در خواب به شاعر رسیده است.

• «پله‌های زندگی»، مولا را در برابر خود می‌بیند و با او درد دل می‌کند. برای گل‌های باورش نگران است و از مولایش می‌خواهد که از گل‌های باور عاشقانش سرکشی کند.

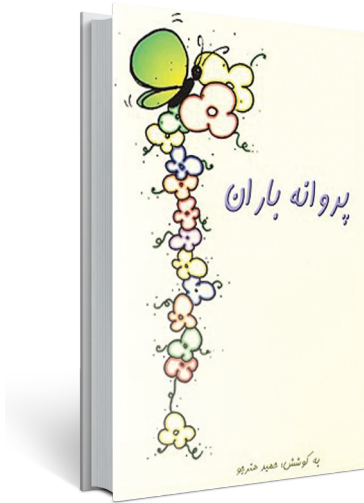
• در شعر «گل آسمانی»، شاهد دیدن نمایی از شادمانی مردم و جشن و چراغان، در استقبال از امید مردم هستیم.

• شاعر «بهار ماندنی»، از هر چه بهار، خسته است؛ بهارهایی که می‌آیند و می‌روند. او بهار ماندنی خود را در وجود مولایش جستجو می‌کند.

• «شاید بیایی» باز هم از عید و آمدن بهار طبیعت و نیامدن بهار دل‌ها می‌گوید.

• شعر «راز مرد آسمانی»، فضایی متفاوت

شکوه برگزار می‌کند.



پروانه باران

مجموعه شعر «پروانه باران»، شامل نوزده شعر از سیزده شاعر کودک و نوجوان است که آقای حمید هنرجو، آن را گردآوری کرده و انتشارات نبأ، به دست چاپ سپرده است. چاپ اول این کتاب سال ۱۳۸۳ با شمارگان ده هزار نسخه و قیمت شش هزار ریال منتشر شده است.

به جز دو مثنوی، بقیه شعرها در قالب چهارپاره ارائه شده‌اند. یکی از شعرهای این مجموعه به نام «چشم انتظار باغ» در مجموعه «کجاست ردپای تو؟» نیز به چاپ رسیده است. در نگاه کلی می‌توان چنین گفت که شعرهای روایی و بخشی از شعرهای توصیفی در این مجموعه، دارای نوآوری‌ها و نگاه شاعرانه قابل توجهی هستند: شعرهایی مثل «شب قشنگ»،

با مرور اجمالی شعرهای این مجموعه تا حدی با تفاوت نگاه شاعران آشنا شدیم. اگر از منظر روایت و فضای کلی حاکم بر شعرها، به این مجموعه نگاه کنیم، احساس می‌کنیم که شعرها در ورطه تکرار افتاده‌اند، کلیشه‌ای حرف می‌زنند، از نوآوری در آنها خبری نیست و تقریباً حرف همه شعرها یک چیز است: «کجاست ردپای تو؟»؛ اما با دقت بیشتر، متوجه می‌شویم که تنوع و نوآوری‌هایی هر چند کوچک در وزن، قافیه، زبان و تصویرسازی وجود دارد.

همچنین شاعران، این شعرها را در فضا و حال و هوای متفاوتی سروده‌اند. هر شعر، زیبایی و شیرینی خاص خود را دارد، هر چند در بیشتر آنها از گل و بلبل و بهار و سبزه، فراوان استفاده شده است.

یادآوری این نکته نیز ضروری است که این مجموعه، تمام بضاعت و توان ادبیات کودک و نوجوان نیست، همان طور که گفتیم تنها در صورتی می‌توان درباره کلیت شعر مهدوی کودک و نوجوان قضاوت نهایی کرد که تمام موجودی شعر کودک و نوجوان در این خصوص گردآوری شود. احساس می‌شود گردآوری‌هایی مثل این مجموعه شعر، برای اهداف خاصی صورت می‌گیرد که از آن جمله برآوردن نیاز مراکز دینی و مذهبی است.

- «انشای مهدی»، «چشم‌انتظار باغ»، «بیا باران»، «بوی نرگس»، «سبزتر از بهار»، «وقت پر گشودن»، «کاش بازآیی»، و «آخرین بهار».
- با توجه به پاره‌ای کلی‌گویی‌ها، تفاوت نگاه شاعران این کتاب و شیرینی زبان هر کدام، کام مخاطب را نوازش می‌دهد. با هم مروری اجمالی بر اشعار این مجموعه خواهیم کرد:
- در شعر «کسی ز راه می‌رسد»، شاعر، حتی رنگ‌رنگ بودن درختان را - که امری طبیعی است - نتیجه‌ی انتظار موعود می‌داند.
- شاعر «در ذکر پروانه»، امام و مولایش را در همه جا و همه چیز جستجو می‌کند و می‌یابد؛ در موسیقی چشمه، شعر پرستو، آواز گنجشک، احساس شب بو، و...
- «مثل آب»، خواننده را یاد شعرهای دبستان می‌اندازد.
- «شب قشنگ»، در جمکران قشنگ‌تر است. رضای کوچک هیچ وقت این شب را فراموش نمی‌کند.
- «بیا باران»، آمدن مولا را شبیه باران رحمت می‌بیند؛ بارانی که غروب‌های دلگیر جمعه از آمدن او می‌گوید.
- «بهار» که بیاید، شاید خورشید از سمت مغرب طلوع کند. چه قدر جذاب و هیجانی خواهد بود.
- «بوی نرگس» نویددهنده بهار است. با آمدن بهار، فواره گنجشک‌ها و بی‌تابی پرده‌ها، دیدنی است، و بوی صندل و کندر و عود، بوییدنی.
- «سرود بهار» هر چند مشکل وزنی دارد و زبانی بزرگ‌سالانه، اما کوشش می‌کند از زبان نوجوانان با مولایش سرود بهار را بخواند.
- «انشای مهدی» شاید خواندنی‌ترین انشای این مجموعه باشد؛ انشایی با موضوع انتظار.
- «حتماً می‌آیی...»، جستجوی دوباره شاعر است برای یافتن ردپایی از مولایش در همه جا و همه چیز.
- در شعر «سبزتر از بهار»، پرنده دل شاعر، ترانه‌های تازه‌ای برای مولا و سرورش خوانده و دست‌های کوچک شاعر برای استقبال از آفایش، بنفشه چیده است.
- در «وقت پر گشودن» سؤال این است که بال و پردهنده پرندگان، کی خواهد آمد؟
- شعر «کاش بازآیی»، مثنوی دل‌منتظران است؛ حرف‌هایی در خود دارد که هر منتظر با مولایش می‌تواند بگوید.
- عاشقان، شهیدان، مادران و تمام عالم، «آخرین بهار» را می‌خوانند. زودتر بیا که همه دارند از دست می‌روند.

• «آن روز...» که او بیاید، چه غوغایی خواهد شد؛ پیغام باران، بوی بهاران، فریاد الله اکبر، بانگ آشنای مولا از کعبه ... و

• «زیباترین فصل» با آسمان درددل می‌کند و از دوری مولایش می‌گوید.

• «بوی باران» که بیاید، از شاخه گل‌ها غنچه‌های سرخ و آبی می‌دمد.

• و باز هم «بوی نرگس» هر چند دیر کرده است، اما اگر بیاید، همه چیز را با خودش خواهد آورد؛ نور، نرگس، نماز، غنچه‌ها و....



حرف آخر

شاید بتوان گفت بهار و باغ و سبزه و پروانه، کلیشه‌هایی هستند که دارند بلای جان شعر کودک و نوجوان می‌شوند. ادبیات کودک، جدّیت بیشتر شاعران را می‌طلبد. به این معنا که اگر هم از این واژه‌ها در شعر استفاده می‌شود، زیبا و بجا باشند؛ همان طور که در بعضی از شعرهای این دو مجموعه، شاهد آن بودیم. در پایان، شعر زیبایی «انشای مهدی» را از مجموعه «پروانه باران» سروده آقای حمید هنرجو، زمزمه می‌کنیم:

چیزی نوشته مهدی
با یک مداد کوچک
در دفتر قشنگش
این با سواد کوچک

■ دیشب تمام کرده
او مشق‌های خود را
اما دو ساعت پیش
مهدی نوشت انشا

■ موضوع آن، اگر چه
موضوع ساده‌ای نیست
اما تلاش می‌کرد
تا نمره‌اش شود بیست

■ این بار، مهدی از نور
در دفترش نوشته
حس می‌کند نشسته
پهلوی یک فرشته

■ انشای مهدی ما
موضوعش انتظار است
دل تنگی پرستو
از دوری بهار است.